

گفت‌وگو با مهدی مطهرنیا، استاد دانشگاه درباره گفت‌وگو و زبان نقد

گفت‌وگوی عقل محور و نیاز به حفظ حرمت انسان



به‌رغم تعارض‌های منفعتی پاس داشته‌شود.

• آیا جامعه‌ما ظرفیت و بستر گفت‌وگو می‌تواند را دارد؟

جامعه ما در حال تمرین کردن برای افزایش ظرفیت عمومی در پذیرش اندیشه‌های دیگران است. لذا باید به این نکته توجه داشت که ما در مرحله گذار به سمت قانون محور شدن، در حرکت هستیم و باید توجه ویژه‌ای به اندیشه‌های تکرارگر در جامعه داشته باشیم. اساسا ما در مرحله گذار، مرحله‌ای هستیم که بحران‌زا و بحران خیز است. ما تاکنون شاهد گفت‌وگوهای چالشی جدی در عرصه‌های مختلف بوده‌ایم. این چالش‌ها موجب شده است تا حدود زیادی، جامعه در پذیرش آسیب‌های ناشی از گفت‌وگو هزینه‌های بالایی را بپردازد.

• این هزینه‌ها چیست و چگونه می‌توان آسیب‌های ناشی از آن را کاهش داد؟

به دلیل آن که ما در مرحله گذار از سنت به مدرنیته هستیم. هزینه‌های بسیاری را در طول سال‌های متمادی برای به‌دست آوردن آمال و اهداف خود پرداخته‌ایم. با وقوع انقلاب اسلامی به‌عنوان رسانس عظیم در جامعه‌ما، شاهد دگرگونی‌های بزرگی در عرصه‌های مختلف بودیم. تحولی عظیم با تغییر ژئوپلیتیکی در عرصه بین‌المللی برای ملت ما رقم خورد. نظام تعاملات بین‌المللی یک دهه پس از فروپاشی رژیم پهلوی در ایران به شکل وسیعی توسعه یافت و با رشد روزافزون فناوری اطلاعات و ارتباطات هم‌شکل مقابله با حکومت‌های مستبد دگرگون شد. به‌طوری که پذیرش فضای گفت‌وگو، دموکراتیک، با ابزاری همچون (گفت‌وگو) گریزناپذیر شد. از این رو باید بپذیریم که در چنین موقعیتی که گذر از منطق کهن و رسیدن به نقطه‌های جدید را در سطح ملی و بین‌المللی تجربه کردیم، شاهد چالش‌های فراوانی در خصوص مقوله گفت‌وگو فرآوری باشیم که چرخه بعد از انقلاب اسلامی، دیالوگ و گفت‌وگو افزایش یافته است، اما در دوره‌های گوناگون با ورود عناصر منفعت طلب که گروه‌های سیاسی حضور داشتند، فضای عمومی و تخصصی گفت‌وگو را به چالش‌های مهمی وارد ساختند که از آن به‌عنوان سیاست‌زدگی نام برده می‌شود. یکی از عوامل مخرب که فضای گفت‌وگو را به‌مخاطره انداخته است، سیاست‌زدگی شدن است و این خود دو آسیب جدی در عرصه ارتباطات اجتماعی و فرهنگی را به وجود آورده است. با ورود عنصر تخریب و تهدید دیگران عنصر خود سانسوری

در گفت‌وگو به وجود می‌آید. این عناصر هر کدامشان، آسیب‌های بسیار جدی بر پیکره گفت‌وگو منطقی و عقل محور وارد می‌سازند. با بررسی این عوامل می‌توان به عامل اصلی این آسیب‌ها که ریشه در سیاست‌زدگی دارد، رسید. مناظره‌های تلویزیونی انتخاباتی در سال ۸۸ نماد این سیاست‌زدگی است. گفت‌وگوها به جای آن که سیاسی باشند، سمت‌وسوی سیاست‌زدگی داشت و این گفت‌وگوها به جای آن که عامل هدایت افکار عمومی باشند، به عامل هم‌اندیشی علم و هم‌افزایی اندیشه‌ها بدل شد و عاملی برای عملیات روانی برای تخریب و تهدید رقیب شد. با این رویکرد جامعه، گفت‌وگو کنندگان هم به سمت‌وسوی خود سانسوری کشانده شدند.

• آیا با این تفاسیر امکان فرهنگ‌سازی گفت‌وگو میسر است؟

فرهنگ‌سازی اساسا واژه‌ای است که از حوزه خاص خود برمی‌خیزد. اما فرهنگ‌پسوری از جنس خود فرهنگ است و روح فرهنگ در آن متبلور شده است، سپهر اندیشه ایرانی انعکاس یافته است و رسالت‌نقد را پیش از آن که در جهت ساختن نقاط مثبت و بهسازی آن باشد، به بزرگنمایی ضعف‌ها و برجسته ساختن آن منتهی ساخته است. بر این اساس اولین رسالت فرهنگی در جهت گسترش فرهنگ نقد، آن است تا بتوان تعریف دقیقی از مفهوم نقد یا مثبت و بهسازی نفي گرایي به جای نقد گرایي داشته باشیم. اگر این کار به‌درستی صورت پذیرد و به حوزه دولتی هم وارد شود، آنگاه جامعه عمومی ظرفیت شنیدن انتقاد را خواهد یافت. باید پیش از آن که جامعه ملی و مردمی را در این زمینه به چالش بکشانیم، مدیریت مسیّر گفت‌وگو و نقد در جامعه را به بازبینی مجدد دعوت کنیم. ظرفیت اجتماعی مردم ما بسیار بالاست، همین ملت بودند که انقلاب کردند و در مقابل دشمنان سرزمینشان ایستادند و همواره نگهبان اعتقادات و اندیشه‌های مثبت و بزرگی بوده‌اند. اما زمانی که بحث نقد به میان می‌آید و پای پاسخگویی به مردم از سوی مسئولان بازمی‌شود، همین مردم و حقوق آنان نادیده انگاشته می‌شود. بر همین اساس هم نقد کننده و هم نقدشونده در چارچوب قوانین و ارزش‌های حاکم، باید ظرفیت شنیدن نقد را داشته باشند. مسئولان جامعه، عضوی از پیکره اجتماع خود هستند و باید آن قدر ظرفیت‌های مدیریتی بالا برد تا نگاه آنها نسبت به گفت‌وگو و نقد از سوی جامعه تغییر کند. اگر بپذیریم مردم به آیین و روش مسئولان خود عمل می‌کنند با تعریف درست با رفتارهای مثبت برای گفت‌وگوئی نقدانه، می‌تواند تحرک عمومی را برای رسیدن به فرهنگ مطلوب گفت‌وگو فراهم سازند.

• و در آخر...

در پایان باید گفت، جامعه ما در حال ممارست و تمرین برای بهره‌مندی از گفت‌وگو به‌عنوان ابزار مدرن بین‌ذهانی است. در تاریخ ملی ما، بیشتر گفت‌وگوها به‌گفت‌وگو تبدیل نشده بود. در این دوران قدیم دولتمردان، می‌گفتند و دیگران بی‌چون و چرا باید می‌پذیرفتند اما در دنیای مدرن امروزی و فرامدرن آینده، این دیالوگ‌ها جایگاهی نداشته و ندارد. بلکه باید گفت‌وگوئی تعاملی در یک فضای یکسان برای آرایه آراء و اندیشه‌ها فراهم باشد. اگر خواست جامعه بر این باشد و فضا را برای گفت‌وگو آماده نکنیم، باید منتظر چالش‌های فراوانی خود در آینده نزدیک باشیم و برای آن باید هزینه‌های بزرگی را بپردازیم...

ذره بین

آداب گفت‌وگو

مصطفی درایتی

فعال سیاسی



یک جامعه سالم برای این‌که بتواند در عرصه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی و اجتماعی پیشرفت داشته باشد و بتواند تمام حوزه‌های مختلف را با یکدیگر پیوند بزند نیاز دارد تا کسانی که در این حوزه فعالیت می‌کنند از طریق گفت‌وگو با یکدیگر تعامل داشته باشند. در واقع می‌توان گفت یکی از نشانه‌های جامعه پیشرفته، مدرن، پذیرفتن فرهنگ گفت‌وگو در عرصه‌های مختلف است. این فرهنگ اما امروزه در جامعه ما و در حوزه‌های سیاست، فرهنگ و اجتماع کم‌رنگ است. به‌خصوص در حوزه سیاست به دلیل این‌که چارچوب تعامل‌های انتقادی مطرح نشده و بسیاری از کسانی که در این حوزه فعالیت می‌کنند ضرورت انتقاد را جدی نگرفته‌اند، باعث شده تا در سیاست انطوری که شایسته است یک تعامل دوسویه که حاصل یک گفت‌وگو سازنده است ایجاد نشود. در مسائل اقتصادی اما به دلیل شکل

خیلی قاطع می‌توان گفت جامعه‌ای که از پذیرش انتقاد سر باز می‌زند و اجازه نمی‌دهد ایده‌ها و حرف‌های دیگران در جامعه‌پنن انداز شود، پیشرفت نخواهد کرد و تنها باعث به وجود آمدن عناد و دشمنی در جامعه خواهد شد در صورتی که اگر این فرهنگ در کشور و به‌خصوص در عرصه سیاست درونی شود بدون شک خیلی از خطاهای جبران خواهد شد و خیلی از ناراحتی‌ها دیگر وجود نخواهد داشت. در این چندسال همه چیز به سمت جار و جنجال پیش‌رفته و در حال حاضر فرصت خوبی است تا نخبگان جامعه روی فرهنگ تعامل و گفت‌وگو بیشتر کار کنند. البته با توجه به گفته‌هایی که درباره تأثیر مثبت گفت‌وگو زده شد باید گفت، گفت‌وگو هم مانند تمام اصول اجتماعی دیگر

آدابی دارد که تا آن آداب رعایت نشود، نمی‌تواند کارساز باشد. گاهی وقت‌ها سکوت و حرف نزدن می‌تواند تأثیر خیلی بیشتری داشته باشد. خیلی از کسانی که مقید به اخلاق هستند به محض این‌که در یک فضای گفت‌وگویی تنش ایجاد می‌شود خودشان را کنار می‌کشند و ادامه نمی‌دهند. برخی هم منتقدند تا با حرف‌های نا به جا فضا را آلوده و جنجال ایجاد کنند. به همین دلیل است که می‌گویم گفت‌وگو آدابی دارد و هر کسی در هر جایگاهی نباید هر حرفی بزند.

نگاه جامعه‌شناسی

شنیدن چند صدا

سید جواد میری

جامعه‌شناس



وقتی سخن از گفت‌وگو و به‌خصوص فرهنگ گفت‌وگو به میان می‌آید، یک پیش‌فرض را باید در نظر گرفت؛ آیا حقیقت مطلق در دست من است یا سایرین هم به اندازه من در آن سهم هستند؟ واقعیت آن است که حقیقت نباید در دست گروه یا جناح خاص سیاسی، فرهنگی و حتی اجتماعی بماند و فضایی را ایجاد کند که تنها گفت‌وگو می‌تواند تأیید قرار گیرد. یک جامعه سالم برای رسیدن به حقیقت نیاز دارد دیگری را به رسمیت بشناسد. اما این بدان معنا نیست که حرف دیگران را تمام و کمال بپذیریم، بلکه به‌این معناست که حق زیستن، بودن و شنیدن را در جامعه برای خود و دیگران قابل باشیم. این فضا می‌توان امیدوار بود که به یک گفت‌وگو تعاملی دست یابیم. زمانی که برای حل مسائل جمعی خودمان، در فرآیند یاد و ستد وارد می‌شویم، به دنبال حقایق مطلق می‌گردیم تا آن را تفسیر کنیم. برای بیان این مطلب به مثالی اشاره می‌کنم؛ واژه‌ای است که در ادبیات کهن بسیار از آن استفاده شده اما کمتر کسی به معنای تاریخی آن توجه کرده است؛ آن کلمه

معمولاً زبان انتقاد در این جوامع نیاز به بازیابی اساسی دارد. از نظر امانوئل کانت، نقادی به‌گفت‌وگوهای فلسفی بازی می‌گردد که می‌خواهد حقایق را با مفاهیم متفاوتی بازگو کند. بانگاهی به‌نظر این فیلسوف می‌توان به موضوع گفت‌وگو زبان انتقاد توجهی ویژه داشت

مهریانی است. اگر بخواهیم این کلمه را واکوی کنیم، باید به کلمه مهر در زبان فارسی قدیم، اوستا و حتی دوتر از آن به سانسکریت بازگردیم. این کلمه از الهه میترا که خدای محبت، عهد و پیمان است، اقتباس شده است. حتی پسوند بان به‌عنوان نگهبان، نگهدارنده و متولی مهر به برگزیدگان آن داده شده است. در این حال، حقیقتی که از زبان این متولیان بیان شد، باید توسط دیگران که در مرتبه آنان نبودند، پذیرفته می‌شد. براساس سلسله مراتب طبقاتی، مرتب اجتماعی از آن کسانی بود که در رأس این مراتب قرار داشتند به‌گونه‌ای که تفسیرها و تحلیل‌ها به نوعی فرمان و لازم‌الاجرا بود. در این فضای دیگر گفت‌وگو و دیالوگ جایگاهی نداشت. در عصر حاضر اما حقیقت به مفهومی تکرارگرایانه تبدیل شده است. در دنیای پسا مدرن، طبیعت حقیقت، ماهیت دیکر گرایانه‌های دارد و در چنین فضایی دیگر گروه‌ها و اقتشار خاص نمی‌توانند، مفسران و تحلیلگران بی‌منزاع باشند. در جامعه امروزی زندگی سلامت‌آمیز را تنها با گفت‌وگو می‌توان رقم زد. در عصر پسا مدرن به دلیل گرفتاری‌های مختلفی که جوامع با آن دست به گریبان هستند شنیدن چند صدایی در آن فراهم‌شود.

• طرح نو | ماندا فتاحی جو | اصل اولیه برای یک گفت‌وگو، مشروعیت قابل شدن برای «وجود» طرف گفت‌وگو است. در غیر این صورت تبادلان کلامی صورت گرفته را نباید به حساب گفت‌وگو گذاشت. این گونه‌ها «مکالمه‌ها» است که در شرایط سلطه یک طرف، نسبت به طرف دیگر رخ می‌دهد. هیچگاه نمی‌تواند وزنه تبادل آراء و اندیشه‌ها را به‌طور یکسان بین طرف‌های گفت‌وگو هماهنگ سازد. برای بازگشایی مفهوم گفت‌وگو و زبان نقد، نظرات دکتر مهدی مطهرنیا، پژوهشگر و عضو هیات علمی دانشگاه را جویا شدیم که در ادامه متن گفت‌وگو را می‌خوانید.

• گفت‌وگو به‌عنوان ابزار برقراری ارتباطات انسانی، مهم‌ترین عامل توازن انتقال اندیشه‌ها به دیگران است، لطفاً برای باب ورود تعریفی از گفت‌وگو داشته‌باشید؟

گفت‌وگو، اساسا بستر انتقال اندیشه‌ها و تبادل آراء در چارچوب ارتباطات فردی و اجتماعی در جوامع امروزی تلقی می‌شود. گفت‌وگو به‌عنوان ابزار پذیرفته شده‌ای است تا با ایجاد فضای بین‌ذهانی، روابط فردی و اجتماعی جوامع را با توجه به نیازهای فعلی آنها هماهنگ سازد. در ادبیات مدرن، از گفت‌وگو به‌عنوان مهم‌ترین ابزار انتقال پیام‌های نهفته‌ای است که از میان عقل‌های جمعی به‌اجماع رسیده باشد. در جامعه عقل محور، گفت‌وگو کننده و شنوندگان آن در مسیر درست برقراری ارتباط و انتقال پیام قرار می‌گیرند. این رو گفت‌وگو یکی از مهم‌ترین بسترهای عملیاتی قدرت نرم در سطح تخصصی و علمی قلمداد می‌شود. پژوهش‌های تأثیرگذاری که در حوزه‌های مختلف زندگی اجتماعی به وجود آمده و مسیر درست روابط اجتماعی و کارکردهای آن را شکل می‌دهد.

• بستر مناسب برای ایجاد فضای درست گفت‌وگو چگونه می‌پایه می‌شود؟

گفت‌وگوی عقل محور، در مرحله نخست نیاز به حرمت نهادن به خود انسان به‌عنوان یک موجود عقلگرا دارد. چرا که انسان باید آزادی‌های اساسی در بیان اندیشه‌ها و نظرات خود را براساس حقوق مدنی دارا باشد. در جامعه، گفت‌وگو زمانی زایشگر و اثر گذار خواهد بود که مرکزیت اقتدارگری در جهت اندیشه‌پسوری وجود نداشته باشد

و به تکرارگری اندیشه‌ها حرمت نهاده شود. این حرمت در چارچوب دفاع از آزادی‌های بیان و در حوزه پذیرش آرای متکثر به‌عنوان خروجی باقی جامعه ملی، باید

